

۱۱

# داسی دایناسی

ماشین بابی ناسور



ناصر کشاورز

تصویرگر: غزاله باروتیان



سرشناسه: کشاورز، ناصر، ۱۳۴۱ -  
عنوان و نام پدیدآور: ماشین بابی ناسور / نویسنده ناصر کشاورز، تصویرگر غزاله باروتیان.  
مشخصات نشر: تهران: نشر هوپا، ۱۳۹۹.  
مشخصات ظاهری: ۲۸ ص: مصور (رنگی).  
فروست: داسی دایناسی؛ ۱۱.  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۲۴۶-۲-۲۰۴-۳۹۸-۸-۸: دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۳۹۸-۸-۸: تصویرگر  
وضعیت فهرست نویسی: فیبا  
موضوع: دایناسورها -- داستان  
موضوع: Dinosaurs -- Fiction  
موضوع: شعر کودکان  
موضوع: Children's poetry  
شناسه افزوده: باروتیان، غزاله، ۱۳۶۷ - تصویرگر  
ردبندی دیوپی: ۵۶۷/۹ دا  
شماره کتابشناسی ملی: ۷۴۹۹۴۵۹

## داسی دایناسی

ماشین بابی ناسور

نویسنده: ناصر کشاورز

تصویرگر: غزاله باروتیان

ویراستار: سیدنوید سیدعلی اکبر

مدیر هنری: فرشاد رستمی

چاپ اول: ۱۴۰۰

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۹۰۰۰ تومان

شابک دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۲۴۶-۲-۲۰۴-۳۹۸-۸-۸

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۳۹۸-۸-۸

**هوپا**  
Hoopa

آدرس: تهران، میدان فاطمی، خیابان بیستون، کوچه‌ی دوم الف، پلاک ۳/۱، واحد دوم غربی.

صندوق پستی: ۱۴۳۱۶۵۳۷۶۵ تلفن: ۸۸۹۶۴۶۱۵

■ همه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای نشر هوپا محفوظ است.

■ استفاده از متن این کتاب، فقط برای نقد و معرفی و در قالب بخش‌هایی از آن مجاز است.

www.hoopa.ir

info@hoopa.ir

روزِ جمعه بود. بابی ناسور گفت: «بلند شوید وسایلتان را

جمع کنید برویم گردش!»

داسی دایناسی از خوش حالی پرید هوا و گفت:

«آخ جون! بابا، آفرین!

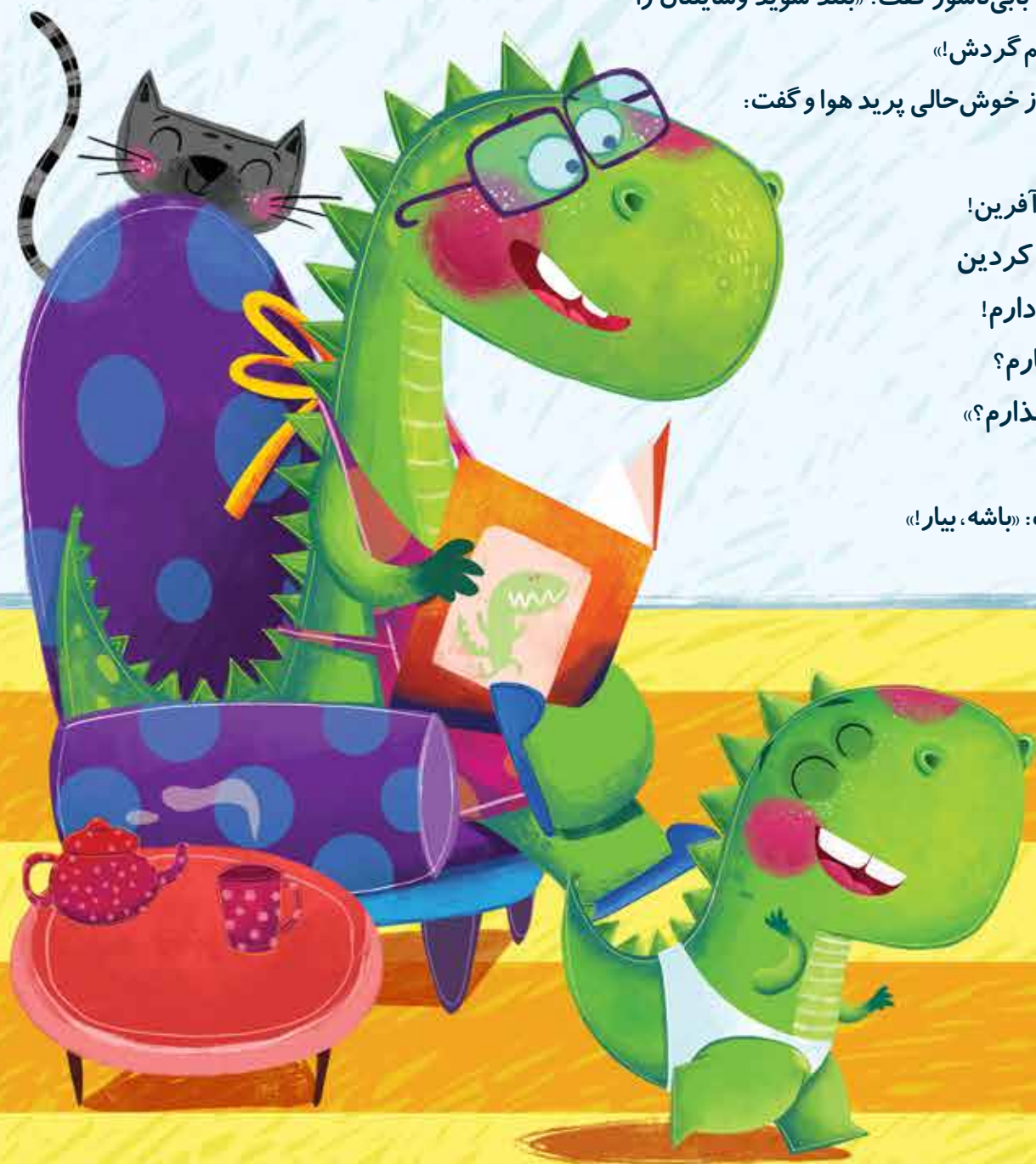
چه فکر خوبی کردین

منم یه فکری دارم!

دوچرخه مو بیارم؟

صندوق عقب بذارم؟»

بابی ناسور گفت: «باشه، بیار!»





مامی دایناسی وسایلِ پُخت و پَز و فرش و این چیزها را برداشت. داسی دایناسی هم دوچرخه‌اش را آورد. بابی ناسور هم همه چیز را توی ماشینش جاداد. داسی دایناسی در جلوی ماشین را باز کرد و نشست کنار باباش.

«بابا، روشن کن بریم!  
من و مامان حاضریم.»

مامی دایناسی گفت: «اینجا که نشسته‌ای، جای مامانت است. برو بنشین پشت و کمربندت را هم ببند!»  
داسی دایناسی گفت:

«تو رو خدا، مامان جون!  
بذار همین جا باشم  
دلم می‌خواد این جلو  
کنار بابا باشم.»



**غزاله باروتیان** هستم. از بچگی همیشه دنیاهای خیالی توی ذهنم درست می‌کردم. تا اینکه وقتی بزرگ‌تر شدم تصمیم گرفتم تصویرگر بشم تا بتونم چیزهایی رو که توی ذهنم می‌بینم، بکشم. اون‌قدر کشیدم تا سر از کتاب‌های داستان درآوردم. توی چندتا جشنواره مقام آوردم و چند نمایشگاه تصویرسازی برگزار کردم. من توی شهر همدان بزرگ شدم. درخت‌ها و باغ‌های خوش‌آب‌وهواش ذهنم رو پر از طرح‌ها و تصاویر رنگی‌رنگی می‌کرد. راستی توی دانشگاه هم، علاوه بر یک رشته‌ی دیگه که ربطی به هنر نداشت، رشته‌ی تصویرسازی رو هم خوندم و از همون‌جا تصمیم گرفتم به تصویرگر خوب بشم.



**ناصر کشاورز** هستم. سال ۱۳۴۱ به دنیا اومدم. شعر کودک رو با مجله‌ی کیهان بچه‌ها شروع کردم و اولین شعرم هم در همون مجله چاپ شد. اولین کتابم هم به نام من و مرغابی‌ها در سال ۱۳۶۵ چاپ شد. جایزه‌های زیادی در حوزه‌ی ادبیات کودک و نوجوان گرفتم. یکی از مهم‌ترین اون‌ها، نشان «ماه طلایی» از جشنواره‌ی بزرگ ادبیات کودک و نوجوانه، همچنین برنده‌ی نشان «مداد پرنده» از جشنواره‌ی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شدم.

**برخی از کتاب‌های من که هوپا منتشر کرده‌است:**

مجموعه‌ی ۱۲ جلدی «داسی دایناسی»

مجموعه‌ی ۴ جلدی «ترترترانه»

مجموعه‌ی ۳ جلدی «انگلارسی»